



اعتصاب سراسری در نفت، گامی به پیش



مطابق فراخوانی که شورای هماهنگی و همبستگی کارکنان رسمی نفت (از این پس شورای هماهنگی) در ۲۲ آذر ۱۴۰۱ انتشار داد و در روزهای بعد از جمله در اطلاعیه روز ۲۵ آذر نیز بر آن تأکید نمود، روز شنبه ۲۶ آذر از ساعت ده صبح، کارکنان رسمی صنعت نفت برای دستیابی به خواسته‌های خود به ویژه خواست محوری اجرای ماده ۱۰ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت، دست از کار کشیده و در صفحه ۳

موقعیت جنبش انقلابی، در پایان آذر ماه

سه ماه از موج نوین جنبش انقلابی بزرگ مردم ایران که با قتل مهسا امینی توسط پلیس جنایتکار جمهوری اسلامی آغاز گردید، سپری شد. این سه ماه، بهرغم جنایات بی‌انتهای دستگاه سرکوب رژیم استبدادی، مشحون از قهرمانی و فداکاری صدها هزار زن و مرد مبارزی است که با برپائی تظاهرات توده‌ای، سنگربندی و نبردهای خیابانی، اعتصابات سیاسی، ضربات مهلکی بر پیکر پوسیده رژیم در حال احتضار وارد آوردند. تظاهرات و اعتصابات که از ۲۶ شهریورماه در کردستان آغاز گردید، با سرعت حیرت‌آوری سراسر کشور را فراگرفت. در همان نخستین روزهای آغاز این موج، مردم در متجاوز از ۸۰ شهر و دهها دانشگاه به تظاهرات و اعتصاب روی آوردند. شعار، "زن، زندگی، آزادی"، "مرگ بر دیکتاتور"، "مرگ بر خامنه‌ای" و "مرگ بر جمهوری اسلامی" در سراسر ایران طنین‌انداز شد. نقش زنان در برپائی و گاه رهبری این مبارزات، به‌ویژه در این مرحله بسیار برجسته بود. به آتش کشیدن حجاب اسلامی توسط زنان در منطقه‌ای که لانه ارتجاع اسلامی

به "قتل‌های حکومتی" باید پایان داد

محمد بروغنی، جوان ۱۸ ساله دیگری است که هفته پیش، از بند عمومی رجایی شهر به بند ۳۹۰ اوین منتقل شده است. جایی که زنده یاد "محسن شکاری" را قبل از اجرای حکم اعدام به آنجا بردند. پدر محمد بروغنی، زباله گرد است و با زباله گردی مخارج معاش خانواده را تأمین می کرده است. حسین محمدی، بازیگر تئاتر، جوان معترض در صفحه ۵

"بابا! حکم‌ها را به ما داده اند؛ حکم من اعدام است، به مامان چیزی نگو". این جملات کوتاه آمیخته به بغض، سخنان محمد مهدی کریمی، جوان معترض محکوم به اعدام است که طی یک تماس تلفنی با پدرش از حکم اعدام خود سخن گفته است. پدرش دستفروش است و می گوید، هرچه تماس گرفته ام و التماس کردم به من می گویند: "حکم خدا و پیغمبر است. شما راضی هستید که حکم خدا بر زمین بماند؟"

چه اتفاقی رخ داد که جمهوری اسلامی از کمیسیون مقام زن اخراج شد؟!

در هر دو بار با اعتراض بسیاری از مردم ایران روبرو شده بود. در پی برگزیدن جمهوری اسلامی به عضویت در کمیسیون مقام زن، سازمان ما نیز در سرمقاله نشریه کار شماره ۹۱۷ با عنوان "مبلغ، مروج و مجری نابرابری و خشونت علیه زنان در جایگاه پاسدار بین‌المللی مقام زن!" به تاریخ ۶ اردیبهشت ۱۴۰۰ به این موضوع پرداخت و ضمن محکوم کردن این تصمیم شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل، نقش دولت‌های امپریالیستی آمریکا و اروپا در این انتصاب و نادیده گرفتن وضعیت فاجعه‌بار زنان در ایران تحت حکومت اسلامی از سوی این دولت‌ها را افشا کرد.

در سرمقاله نشریه کار آمده بود: "اکنون دوره آشتی‌کنان دولت آمریکا با جمهوری اسلامی است و این دولت به اتفاق دول اروپایی می‌خواهند به جمهوری اسلامی نشان دهند که تغییر سیاست دولت آمریکا در قبال جمهوری اسلامی جدی و

در صفحه ۸

شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد روز چهارشنبه ۲۳ آذر ماه در نشست اضطراری و در یک رای‌گیری علنی با ۲۹ رای موافق، ۸ رای مخالف و ۱۶ رای ممتنع جمهوری اسلامی را از کمیسیون مقام زن سازمان ملل اخراج کرد. شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل ۵۵ عضو دارد و نشست فوق با درخواست دولت آمریکا برگزار گردید. نماینده دولت بریتانیا در این نشست عضویت جمهوری اسلامی در چنین کمیسیونی را "مشمزکننده" دانست.

پیش از این، شورای فوق در ۳۰ فروردین سال ۱۴۰۰ در نشست خود و در یک رای‌گیری غیرعلنی (با درخواست نماینده دولت آمریکا) جمهوری اسلامی را با ۴۴ رای مثبت به عضویت این کمیسیون برگزیده بود. در سال ۸۹ نیز جمهوری اسلامی با رای اعضای این شورا به عضویت در کمیسیون مقام زن درآمد بود. انتصاب جمهوری اسلامی در کمیسیون مقام زن

در صفحه ۲

**پیروز باد
اعتصاب و تجمع
سراسری کارکنان رسمی
صنعت نفت**

در صفحه ۶

**تظاهرات نیروهای چپ
در هامبورگ**

در صفحه ۴

**گزارش کوتاهی از
اکسیون اعتراضی روز شنبه
۱۷ دسامبر نیروهای
چپ و کمونیست در کپنهاگ**

در صفحه ۴

موقعیت جنبش انقلابی، در پایان آذر ماه

است، رویدادی تاریخی در این جنبش بود. این جنبش بی‌وقفه در مهرماه اعتلاء یافت. همزمان با تظاهرات، نبردهای خیابانی و اعتصابات دانشجویی، چندین اعتصاب مهم کارگری نیز برپا گردید. در ۱۸ مهرماه کارگران پیمانی نفت و گاز در عسلویه با شعارهای مستقیم سیاسی، به اعتصاب و تظاهرات روی آوردند و شعار مرگ بر دیکتاتور را سر دادند.

در چهلمین روز یادبود قتل مهسا در ۴ آبان، این جنبش به اوج خود رسید. در این روز بسیاری از دانشگاه‌ها و مدارس تعطیل شدند و لاقلاً در ۱۵۰ شهر و دست‌کم ۱۴۰ دانشگاه، مردم با تظاهرات و شعار مرگ بر دیکتاتور در این جنبش بزرگ سراسری حضور یافتند.

در سراسر روزهای آبان ماه، مبارزات با حدت ادامه یافت و گروه‌های بیشتری از مردم، از جمله روزنامه‌نگاران، هنرمندان، پزشکان و ورزشکاران نیز به جنبش پیوستند.

اعتصابات دانشجویی، تظاهرات توده‌ای، سنگربندی و نبردهای خیابانی، حمله به تعدادی از مراکز بسیج و مذهبی، به دور افکندن حجاب اجباری و به آتش کشیدن آن توسط زنان، اعتصابات کارگری و اعتصاب کسبه، سراسر کشور را فراگرفت. شعارها نیز ارتقاء یافت.

برای مصون داشتن جنبش از دستبرد های ارتجاع مغلوب، شعار " مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه چه رهبر" به یک شعار همگانی تبدیل گردید. در کردستان جناح رادیکال جنبش، شعار "زنده‌باد سوسیالیسم"، " کار- نان-آزادی-حکومت شورایی" را سر داد.

این مبارزات در آذرماه نیز ادامه یافت. گرچه در این ماه از دامنه و وسعت تظاهرات و نبردهای خیابانی کاسته شد، اما نقش و اهمیت اعتصابات افزایش یافت. کسبه و مغازه‌داران، نه‌فقط در کردستان، بلکه در سراسر ایران، چند روز پی‌درپی اعتصاب سراسری داشتند. مهم‌تر از آن، اعتصاب سراسری رانندگان و کامیون‌داران بود که از روز پنجم آذرماه شروع شد و چندین روز ادامه یافت. این اعتصاب، سیستم حمل‌ونقل کالا را در سراسر کشور فلج کرد. همچنین کارگران در چندین کارخانه، عمدتاً حول مطالبات اقتصادی و رفاهی به اعتصاب روی آوردند که برجسته‌ترین آن‌ها اعتصاب سراسری کارکنان رسمی صنعت نفت در ۲۶ آذرماه بود.

در مجموع، در طول این سه ماه، اشکال و شیوه‌های مبارزاتی توده‌های مردم ایران، اعتصاب، تظاهرات و تجمع، راهپیمایی، سنگربندی و نبردهای خیابانی، تظاهرات موضعی به‌ویژه برای کاهش تلفات نیروهای خودی و فرسوده و پراکنده کردن نیروهای سرکوب دشمن، تشکیل گروه‌های رزمی و حمله به مراکز سرکوب و ستم به‌ویژه در مناطقی نظیر کردستان و بلوچستان، حمله به پایگاه‌های بسیج، مراکز مذهبی، دفاتر امامان جمعه و منازل عوامل رژیم با کوکتل مولوتف، ترور عناصر سرکوبگر، به آتش کشیدن تصاویر و نمادهای رژیم، تظاهرات شبانه و سردادن شعارهای ضد رژیم از منازل برای تخریب روحیه دشمن،

شعارنویسی علیه سران جمهوری اسلامی، عمده پرانی و ناامن کردن کوچه و خیابان برای آخوندها و تمام عوامل رژیم بود.

در این مدت، نیروهای پلیسی، نظامی و امنیتی رژیم با قساوت و بی‌رحمی تمام، حتی با به‌کارگیری سلاح‌های جنگی علیه مردم که تنها یک مورد آن استفاده از تیربار و قتل‌عام مردم زاهدان بود، وحشی‌گری پاسداران حکومت الله را بی‌کم‌وکاست به نمایش گذاشتند. آن‌ها به کودکان کم سن و سال هم رحم نکردند. ده‌ها تن از این کودکان را کشتند. آن‌ها وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها را علیه اسرا اعمال کردند. تعدادی را زیر شکنجه به قتل رساندند. تاکنون تعداد جان‌باختگان به دست این جنایتکاران به ۵۰۰ نفر رسیده است. تعداد بازداشت‌شدگان نیز متجاوز از ۱۸ هزار تن اعلام‌شده است.

بهرغم ادامه موج جنبش تا به امروز، اما جنبش در طول این سه ماه، فراز و فرودهایی داشته است. گاه اعتلاء یافته و گاه از دامنه اعتلاء آن کاسته شده است. گرچه در آخرین هفته آذرماه در مقایسه با مهر و آبان ماه، با تظاهرات توده‌ای و نبردهای خیابانی گسترده روبه‌رو نیستیم، اما جو سیاسی جامعه همچنان ملتهب است و جنبش ادامه دارد. بنابراین، احتمال اعتلاء جنبش سیاسی گسترده در همین موج کنونی منتفی نیست. اما همان‌گونه که سازمان ما از همان آغاز بر آن تأکید نمود، تظاهرات توده‌ای به تنهایی نمی‌تواند برای مدتی طولانی دوام آورد و برای ارتقاء این جنبش، حضور طبقه کارگر به‌عنوان یک طبقه متشکل و ارتقای اشکال کنونی مبارزات توده‌ای به یک اعتصاب عمومی سیاسی ضروری است که متأسفانه در این فاصله رخ نداده است. اما علاوه بر این، خود جنبش نیز برای گذر از این مرحله به مرحله‌ای بالاتر، ضعف‌ها و کمبودهایی داشته که نتوانسته ده‌ها میلیون تن از توده‌های کارگر و زحمتکش را به جنبش بکشاند.

یکی از بزرگ‌ترین کمبودهای این جنبش در این است که هنوز بدیل روشنی ندارد. آنچه که تاکنون در این جنبش مطرح‌شده، شعار "مرگ بر خامنه‌ای"، "مرگ بر دیکتاتور" و در بهترین حالت "مرگ بر جمهوری اسلامی" بوده است. یعنی صرفاً شعار نفی جمهوری اسلامی. اما شعار نفی برای کشاندن توده‌های میلیونی به جنبش، کافی نیست. توده‌های مردمی که فاجعه استقرار جمهوری اسلامی را تجربه کرده‌اند، این بار می‌خواهند با چشمان باز ببینند که چه چیزی می‌خواهد با نفی جمهوری اسلامی، جایگزین آن شود و چه نتایجی به بار خواهد آورد. شعارهای دیگری که در این مرحله مطرح‌شده‌اند، همچون شعار " زن، زندگی، آزادی" گرچه این شعار مهم است و به خاطر عام بودنش، به‌ویژه در اوایل این جنبش، قدرت بسیج‌کننده بالائی داشت و تأثیرات مهم داخلی و بین‌المللی نیز برجای نهاد، به تنهایی کافی نیست. جای شعارهای مرتبط با معیشت توده‌های مردمی که اکثریت بسیار بزرگ جامعه را تشکیل می‌دهند، به‌کلی

در این چند ماه خالی بوده است. علاوه بر آنچه گفته شد، جنبش هنوز بی‌سازمان است و فاقد رهبری. روشن است که یک جنبش بی‌سازمان و بدون رهبری نمتنها نمی‌تواند به پیروزی منجر شود، بلکه نمی‌تواند شعارهای مناسب در هر مرحله، تاکتیک‌های مناسب به‌حسب شرایط مشخص را داشته باشد. حتی در این اواخر شاهد نوعی تنزل شعارها بوده‌ایم. اگر در دو ماه نخست جنبش، اغلب، شعار مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر جمهوری اسلامی داده می‌شد. اکنون در تظاهرات کوچک پراکنده، شعار بی‌محتوای "این ماه ماه خونه، سیدعلی سرنگونه" سر داده می‌شود. اولاً "سیدعلی" در یک مبارزه گسترده که ممکن است باز هم مدتی به طول بیانجامد، در جریان یک قیام مسلحانه توده‌ای سرنگون خواهد شد و نه در این ماه و یا ماه بعد، همان‌گونه که شعار " این ماه ماه خونه، خمینی سرنگونه" ۴۰ سال پیش به‌جایی نرسید. ثانیاً- مشکل اصلی مردم فقط خامنه‌ای نیست. بلکه تمام نظم اقتصادی، اجتماعی و سیاسی موجود است.

سرنگونی "سیدعلی" به تنهایی هیچ مشکلی را در جامعه ایران حل نخواهد کرد. پوشیده نیست که هنوز میلیون‌ها کارگر و زحمتکش وارد موج کنونی جنبش نشده‌اند. برای جذب این نیرو و ارتقای جنبش به مرحله‌ای عالی‌تر، باید برای برطرف کردن ضعف‌های این جنبش تلاش نمود. با تمام این اوصاف، جنبش هر چقدری را که در این مرحله طی کند، در این واقعیت تغییری ایجاد نمی‌کند که جمهوری اسلامی هیچ امکان و چشم‌اندازی برای بقاء ندارد. شرایط عینی برای یک انقلاب در ایران فراهم است. تحت چنین شرایط سیاسی، همان‌گونه که تجربه در چندین سال اخیر نیز به‌دفعات نشان داده است، هرلحظه می‌تواند انفجارات سیاسی بزرگ در جامعه ایران رخ دهد. امواج مبارزه هر بار با قدرت بیشتری فرامی‌رسند و به‌رغم مقاومت ارتجاع، سرانجام آن را در بطن همین بحران سیاسی، سرنگون خواهند کرد. اما آنچه را که همواره باید بر آن تأکید نمود و از نظر دور نداشت، این است که با سرنگونی جمهوری اسلامی، بالاخره قدرت سیاسی در دست کدام طبقه قرار خواهد گرفت؟ این نکته‌ای تعیین‌کننده برای پیروزی یا شکست انقلاب است. تنها، کسب قدرت سیاسی توسط کارگران و زحمتکشان و استقرار یک حکومت شورایی است که می‌تواند به پیروزی انقلاب در ایران منجر گردد.



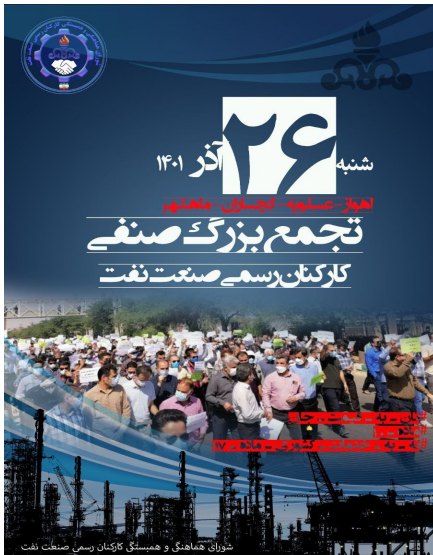
اعتصاب سراسری در نفت، گامی به پیش

تجمعات متعددی برپا کردند. "شورای هماهنگی" در اطلاعیه‌ای که یک روز قبل از تجمع انتشار داد بار دیگر اعلام کرد گردهمایی کارکنان رسمی صنعت نفت، روز شنبه ۲۶ آذر با محوریت شهرهای اهواز، عسولویه و ماهشهر و همراهی تمامی شهرها و مناطق عملیاتی برگزار خواهد شد. این "شورا" در عین حال از همه‌کسانی که به هر دلیل نمی‌توانند در تجمعات اعتراضی شهرهای یادشده حاضر شوند خواست در تمام شهرها و مناطق عملیاتی از جمله پتروشیمی‌ها، پالایشگاه‌ها، بهره‌برداری‌ها و سایر کارخانه‌ها و ادارات، روبروی ساختمان مرکزی ستاد یا



ساختمان اداری مجموعه خود تجمع کنند. روز شنبه ۲۶ آذر اجتماعات اعتراضی در مراکز نفت و گاز به‌طور همزمان علاوه بر شهرهای اهواز، ماهشهر و عسولویه که به‌عنوان مراکز اصلی تجمع مشخص شده بود، در بسیاری از شهرها و مراکز نفت و گاز دیگر از جمله گچساران، جزیره خارک، شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب، شرکت بهره‌برداری نفت و گاز غرب منطقه عملیاتی تنگ بیجار، معاونت مدیر فنی مطالعات شیمیایی و آزمایشگاه‌های کنترل کیفیت، مرکز آموزش مجتمع محمودآباد، مرکز بهره‌برداری خطوط لوله گاز گناباد و برخی مراکز دیگر نیز جمعیتی برگزار شد. در تجمعات روز ۲۶ آذر، گروه‌هایی از کارگران پیمانی و غیررسمی (اقماری) پارس جنوبی نیز فعالانه در تجمعات شرکت داشتند. لازم به ذکر است که در منطقه عسولویه، حراست شرکت‌ها و پالایشگاه‌ها با ایجاد انواع محدودیت‌ها، مانع خروج پرسنل در زمان مقرر برای شرکت در تجمع می‌شدند و در برخی از شرکت‌ها اجازه خروج داده نشد. اما علی‌رغم این موانع و محدودیت‌ها، در اعتصاب و تجمع سراسری روز ۲۶ آذر هزاران نفر شرکت داشتند.

کارگران و کارکنان رسمی صنعت نفت که بعد از یک ربع قرن، در تیرماه سال ۹۹ اعتصاب سراسری در نفت را کلید زدند تاکنون از پیچ‌وخم‌های گوناگونی عبور نموده و تجارب زیادی اندوخته‌اند. این واقعیتی است که مشعل اعتراض و مبارزه‌ای که در نفت توسط پرسنل رسمی برافروخته شد به‌سرعت به اعتراض و اعتصاب کارگران غیررسمی خصوصاً کارگران پیمانی و پروژه‌ای نیز سرایت کرد. علی‌رغم سرکوب و احضار و بازداشت صدها تن از کارگران و کارکنان صنعت نفت و تشدید جو خفقان و پلیسی در محیط کار به‌خصوص در نیمه دوم سال جاری اما شعله مبارزه در نفت از آن تاریخ تاکنون همچنان فروزان مانده است. چندین تجمع و اعتصاب بزرگ و سراسری هم در بخش



قوانین خاص (از جمله وزارت نفت) تابع قانون خدمات کشوری خواهند شد."

چنین به نظر می‌رسد که کارکنان رسمی صنعت نفت و تشکل آن‌ها با توجه به مجموعه تجارب به‌ویژه تجاربی که در سال جاری از سر گذرانده‌اند به ترفندها و دروغ‌های تکراری وزارت نفت و مقامات آن پی برده و دریافته‌اند که باید به امیدهای واهی پایان دهند و از طریق اعتراض متشکل و اتخاذ تاکتیک‌های مؤثر مبارزه، خواست‌های خود را دنبال کنند. این جهت‌گیری از آبان سال جاری آشکارتر شده است. "شورای هماهنگی" در آغاز شاید هنوز چندان مصمم نبود دست به یک مبارزه عملی جدی بزند، اما فشار از پایین هم از درون کارکنان رسمی و هم از بیرون برای دل‌کندن از وعده‌های مسئولین و سازمان‌دهی اقدام اعتراضی از یکسو و بی‌نتیجه ماندن نامه‌نگاری‌ها و وعده‌های مقامات دولتی از سوی دیگر، "شورای هماهنگی" را به این نتیجه رساند که باید وارد یک کارزار مبارزاتی جدی شود.

در اطلاعیه‌ها و نوشته‌های "شورای هماهنگی" به‌روشنی می‌توان این تغییر و این جهت‌گیری را مشاهده کرد. در یکی از اطلاعیه‌ها به‌حق و حقوق کارکنان اشاره شده که "سال‌ها توسط مسئولین فاسد و نالایق به یغما رفته است" در فراخوان اعتصاب و تجمع سراسری اخیر این "شورا" که ۲۲ آذر انتشار یافت گفته شده "قریب به ده سال تصمیمات قانونی (ماده ده) برای ایجاد و افزایش انگیزه پرسنل رسمی گرفته شده در صورتی که با وعده‌و وعید مختلف کنار گذاشته شده است... تعلل بیش این اصلاً جایز نیست و تنها راهی که مانده گردهمایی صنفی همکاران رسمی صنعت نفت اعم از ستاد، عملیات، شمال، جنوب... است."

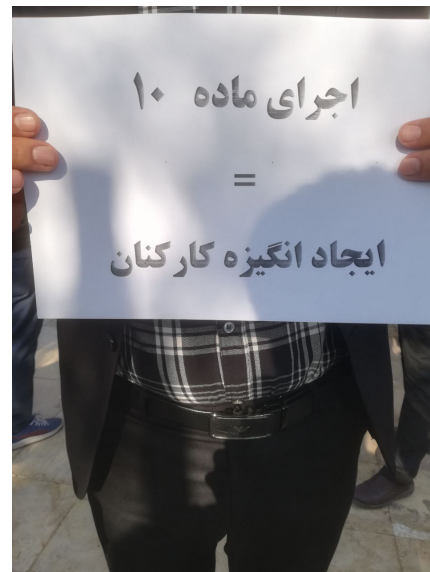
باید امیدوار بود که کارکنان رسمی نفت و قبل از همه "شورای هماهنگی" این "تعلل" و گرایش را که مانع اتخاذ شیوه‌های جدی مبارزه است، برای همیشه کنار گذاشته و با اشکال مؤثرتر مبارزه نظیر اعتصاب و تجمع سراسری اخیر در ۲۶ آذر و اعتصابات گسترده‌تر، گام‌های جدی برای تحقق مطالبات خود بردارند. آنچه در نفت می‌گذرد، تشدید و گسترش بیش از پیش نارضایتی و روحیه اعتراضی است. شرایط سیاسی متحول جامعه، بحران‌های سیاسی و

کارگران و کارکنان رسمی و هم توسط کارگران پیمانی و پروژه‌ای و غیررسمی شاهد این مدعا است. بالین‌همه تا جایی که به کارکنان رسمی صنعت نفت و خواست محوری آنان اجرای ماده ۱۰ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت برمی‌گردد باید یادآوری کرد که چندچون اقدامات اعتراضی این بخش به‌ویژه در سال جاری همواره تحت تأثیر وعده‌هایی قرار گرفته که مسئولین دولتی از نمونه وزیر نفت و معاون وی در مورد اجرای ماده ۱۰ قانون یادشده به کارکنان رسمی داده‌اند، تا آنجا که "شورای هماهنگی" با این تصور که وزارت نفت بدون اعتراض و مبارزه مؤثر و صرفاً با مذاکره و نامه‌نگاری وعده‌های خود را در مورد اجرای این ماده عملی خواهد کرد، چند بار تجمعات و اعتصابات را که فراخوان آن از قبل صادر شده بود از جمله در ۵ و ۲۸ شهریورماه سال جاری، لغو کرد. "شورای هماهنگی" با این امید که وزارت نفت خواست کارکنان را می‌پذیرد و قصد اجرای این ماده را دارد، چندین بار تجمعات و اعتصابات که می‌توانست دولت را تا حدی وادار به عقب‌نشینی نماید به تعویق انداخت. وزارت نفت، هر بار همین‌که احتمال وقوع یک حرکت اعتراضی مانند اعتصاب و تجمع جدی شد، مثنی وعده تحویل کارکنان رسمی نفت داد که جمعی پوچ و دروغ از کار درآمدند. مقامات و نهادهای دولتی از جمله وزارت نفت نه‌فقط مدت ده سال از اجرای ماده ۱۰ قانون فوق امتناع ورزیده‌اند، نه‌فقط مثنی وعده میان‌تهی تحویل کارکنان رسمی داده و آن‌ها را سر دوانده‌اند، بلکه در عین حال از طریق عوامل خود نیز سعی



کرده‌اند در میان پرسنل نفت شکاف و اختلاف بیندازند و مانع متشکل شدن آنان شوند. دولت و وزارت نفت آن در طول دو سه سال اخیر بارها به کارگران و کارکنان رسمی نفت وعده دادند که تا یک هفته دیگر، دو هفته دیگر و به‌زودی ماده ۱۰ قانون یادشده به مرحله اجرا گذاشته می‌شود. اما تمام این وعده‌ها دروغ و فریب بود. دولت و وزارت نفت در واقع برای جلوگیری از اعتصابات کارگران به این وعده‌ها متوسل شده بودند. حال آنکه در عالم واقعی سرگرم تدارک زدن ریشه این قانون بودند. بعد از ده سال تأخیر در اجرای این قانون، اکنون فاش شده دولت در نظر دارد کل این قانون را بی‌اعتبار و مختومه اعلام کند. مطابق پیش‌نویس قانون بودجه سال ۱۴۰۲ مندرج در سایت تسنیم، از تاریخ ۳۱ خرداد سال ۱۴۰۲ "دستگاه‌های منفصل و دارای

اعتصاب سراسری در نفت، گامی به پیش



اقتصادی و بالا رفتن غیرقابل تصور قیمت کالاها و خدمات و همچنین کاهش شدید ارزش پول که معنایش کاهش شدید قدرت خرید مردم به ویژه کارگران است، خشم و نارضایتی اردوی کار را متراکمتر ساخته که همگی زمینه تقویت همین جهت گیری ها و همین امیدواری است. اعتصاب و تجمع سراسری روز ۲۶ آذر را باید یک اعتصاب اخطاری و مدخل اعتصابات بزرگتر تلقی نمود. چنانکه اعتصاب غذای کارکنان رسمی نفت در ۱۶ آبان نیز در واقع یک اعتراض نمادین و یک اقدام و اعتراض اخطاری بود، اعتصاب اخیر را نیز باید مقدمه اعتصابات سراسری بزرگتری که در راه است تلقی کرد. کارکنان رسمی صنعت نفت نیز خود در مورد اعتصاب غذای ۱۶ آبان نوشتند "هدف اصلی از این حرکت آن بود که تمرین اتحاد کنیم" و از اعتصاب غذای ۱۶ آبان تا اعتصاب و تجمع سراسری ۲۶ آذر، چندین گام به جلو آمده اند. یک شکل مبارزه عقبتر از شرایط کنونی را به فوریت کنار نهاده و شکل دیگری از اعتراض که با شرایط جاری انطباق بیشتری دارد اختیار کرده اند. در این اقدامات و اعتراضات نبرد کنان هر بار تجربه بیشتری اندوخته و خود را برای اعتراضات بزرگتر آماده نموده و سازمان می دهند. در جریان همین نبردهاست که کارگران نفت اتحاد و تشکل خود را محکمتر می کنند و اعتصابات سراسری بزرگتری را سازمان می دهند. اعتصابات و تجمع های کوتاه مدت کنونی باید به اعتصابات گسترده تر و بلندمدت تر، تعطیل کامل کار و خواباندن چرخ تولید و تجمع های بزرگتر ارتقا پیدا کند و تردیدی در این مسئله وجود ندارد که در شرایط سیاسی کنونی و در جریان رشد مبارزه طبقاتی ارتقا پیدا خواهد کرد. کسی نمی تواند این موضوع را انکار کند که نفت از مدت ها قبل بیدار شده و به اعتراض برخاسته و با تشدید سرکوب و اقدامات پلیسی و امنیتی که طی سه ماه اخیر به شدت افزایش یافته است نمی توان جلوی این روند را گرفت. هم اکنون بخش هایی از کارگران پترو پالایش ها و

حفاری ها نیز برای روزهای سوم، چهارم و پنجم دی ماه فراخوان اعتصاب داده اند. شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت از تمام این فراخوان ها و اعتصابات حمایت نموده است. این "شورا" در بیانیه ای با عنوان "علیه اعدام ها و در محکومیت قتل مجید رضا رهنورد و محسن شکاری اعتصاب کنیم." که روز ۲۲ آذر در کانال تلگرامی خود انتشار داد، ضمن اشاره به شرایط سیاسی جامعه و اعدام جوانان، بر اعتصاب کارگران نفت به عنوان یک پاسخ فوری علیه سرکوب و اعدام تأکید نمود و از جمله نوشت "ما دیگر این سرکوب ها را بر نمی تابیم، ما دیگر فقر و بی تأمین و بساط چپاول پیمانکاران مفتخور و زدنی ها و چپاول ها را بر نمی تابیم." این شورا نیز از آمادگی بخش هایی از کارگران پیمانی برای اعتصاب و تدارک اعتصاب سراسری به عنوان یک تاکتیک مؤثر برای مقابله با رژیم و اقدامات جنایتکارانه آن یاد نمود، کارگران را به بستن شیرهای نفت دعوت کرد و نوشت "باید کاری کرد تا این بساط قتل و جنایت و اعدام جمع شود".

نیازی به گفتن نیست که اعتصابات سراسری در نفت از نمونه اعتصاب روز ۲۶ آذر، در شرایط سیاسی متحول کنونی جامعه تا چه اندازه زیادی حائز اهمیت جدی است. تعطیل کار و خواباندن چرخ های تولید و اعتصاب سراسری در نفت و گسترش آن ولو از نوع اعتصابات اقتصادی سراسری، فقط در این نیست که شریان حیاتی جمهوری اسلامی و ممر بخش مهمی از درآمد ارتجاع حاکم را قطع می کند و آن را با هزار و یک مشکل اقتصادی روبرو می سازد، اهمیت اعتصاب سراسری در نفت در شرایط سیاسی و ملتپه کنونی به سرعت می تواند توازن قوا را به نحو آشکار و چشمگیری به سود جنبش انقلابی و توده مردم برهم زند. گرچه مطالبات کارگران و کارکنان رسمی صنعت نفت در شرایط حاضر - صرف نظر از خواست برپیده شدن فضای رعب و سرکوب امنیتی از محیط کار و اعتراض نسبت به احضارها و بازداشت ها و بازجویی ها و تهدیدهای مکرر و اعتراض نسبت به عمل اقدامات ایذایی دستگاه سرکوب و امنیتی که خواست و مبارزه سیاسی محسوب می شوند - به طور عمده اقتصادی و صنفی هستند و در مرکز آن اجرای ماده ۱۰ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت قرار دارد که متضمن بهبود معیشت آن هاست، اما در شرایط سیاسی کنونی که اعتراضات سیاسی سراسر کشور را فراگرفته است، اعتصابات از این دست در صنعت نفت و گاز و پتروشیمی، مقدمه اعتصابات سیاسی و مدخلی است برای روی آوردن به اعتصابات سیاسی کارگری. ورود به این عرصه یعنی فراهم سازی زمینه های پیشروی بیشتر جنبش کارگری و طبقه کارگر، ایجاد سریع زمینه های مناسبتر ارتقای آگاهی سیاسی و تشکل طبقه کارگر و در نهایت آمادگی برای ایفای نقشی که بردوش این طبقه قرار گرفته است. اعتصاب سراسری روز ۲۶ آذر بدون تردید گامی به پیش در این راستا است که باید با گام های بعدی تکمیل شود.

فعالان سازمان فدائیان (اقلیت) در خارج از کشور، روز شنبه ۱۷ دسامبر، همراه با دیگر جریانات چپ، آکسیون هایی در دفاع از مبارزات مردم ایران و آزادی زندانیان سیاسی در هامبورگ و کپنهاک، برپا کردند که گزارش کوتاهی از آن را در این شماره می خوانید.

تظاهرات نیروهای چپ در هامبورگ



هفدهم دسامبر ۲۰۲۲ به فراخوان کلکتیو زن زندگی آزادی با حضور جریان های چپ و مترقی در شهر هامبورگ

تظاهراتی برگزار شد. در این تظاهرات جنایت های سیستم سرمایه داری جمهوری اسلامی و سرکوب جوانان و اعدام آن ها محکوم گردید. و بر این نکته تأکید شد که جنبش انقلابی مردم ایران زمانی می تواند موفق شود که پس از جمهوری اسلامی سیستمی در رأس امور قرار گیرد که مبتنی بر لغو استثمار و رعایت حقوق اقلیت های ملی و اقلیت های جنسی و جنسیتی باشد. در این مراسم از شعارهایی که اکنون در داخل ایران به وسیله مردم سر داده می شود استفاده شد و مقاله هایی در حمایت از جنبش انقلابی به زبان های آلمانی و انگلیسی خوانده شد. همچنین یکی از زنان افغانستان از وضعیت اکنون مردم افغانستان و زنان آن و جنایت های طالبان ارائه کرد و بر ضرورت همبستگی بین المللی تأکید کرد.

شورای دفاع از مبارزات انقلابی مردم ایران - هامبورگ

گزارش کوتاهی از آکسیون اعتراضی روز شنبه ۱۷ دسامبر نیروهای چپ و کمونیست در کپنهاک



در ادامه برگزاری آکسیون های اعتراضی در شنبه های سرخ کپنهاک، شنبه ۱۷ دسامبر

۲۰۲۲ نیز آکسیونی در حمایت از مبارزات جاری مردم زحمتکش ایران، همبستگی با زندانیان سیاسی و خانواده های آن ها و علیه صدور احکام اعدام در یکی از میدان های شهر کپنهاک در Kultorvet دانمارک برگزار شد. این آکسیون نیز همانند هفته های پیش مورد توجه عابرین زیادی قرار گرفت که حمایت خود از این حرکت و بخصوص مبارزات جاری در ایران را اعلام نمودند.

فعالین سازمان فدائیان (اقلیت) دانمارک

به "قتل های حکومتی" باید پایان داد

دیگری است که به اتهام قتل یک بسیجی، هم اینک با خطر اعدام مواجه است. حسین البیته چنین اتهامی را در دادگاه رد کرده و آن را نپذیرفته است. همراه با این نام ها، اسامی دست کم ۲۶ نفر دیگر نیز توسط سازمان عفو بین الملل و دیگر نهادهایی حقوق بشری مستندسازی شده اند که جملگی در بیدادگاه های جمهوری اسلامی با اتهاماتی نظیر "محاربه"، "بغی" و "افساد فی الارض" با خطر "اعدام" روبرو هستند.

خبر صدور حکم "اعدام" برای این تعداد از جوانان بازداشت شده در شرایطی بازتاب بیرونی یافته است که هنوز خانواده ها و توده های بیپایاسته مردم ایران از اجرای حکم "اعدام" بی رحمانه "محسن شکاری" و "مجید رضا رهنورد" در بهت و ناباوری اسر می برند. اعدام های شرم آوری که به فاصله چهار روز از همدیگر صورت گرفت و در سطح افکار عمومی موجی از خشم و انزجار را علیه جمهوری اسلامی و دستگاه آدمکش آن برانگیخت. شدت این خشم و نفرت عمومی، آنچنان بالا و فزاینده بود که به سرعت از مرزها گذشت و جهان و جهانیان را فرا گرفت. خشمی که همگان را به تکاپو واداشت و افکار عمومی را در گستره ای جهانی علیه جمهوری اسلامی و گسترش مجازات "اعدام" در ایران برانگیخت. در فضای ملتبهت و انقلابی ایران، خانواده های داغدار، توده های بیپایاسته، شبکه های مجازی و بسیاری از چهره های شناخته شده هنری و سینمایی را بر آن داشت تا با هدف توقف "قتل های حکومتی" علیه جمهوری اسلامی و سیاست سرکوب و کشتار آن موضع گیری کنند. در عرصه جهانی نیز، مجمع عمومی سازمان ملل، نهادهای حقوق بشری و عفو بین الملل با محوریت توقف "اعدام" در جمهوری اسلامی با صدور بیانیه های جداگانه نسبت به سرکوب و کشتار زندانیان در ایران هشدار دادند. در کشورهای های اروپایی نیز تعدادی از نمایندگان پارلمان های این کشورها با قبول "کفالت سیاسی" محکومین به "اعدام"، کارزار وسیعی را در دفاع از زندانیان سیاسی محکوم به "مرگ" آغاز کرده و جملگی خواهان توقف فوری سرکوب و "اعدام" در جمهوری اسلامی شده اند.

پس از قتل حکومتی "محسن شکاری" و "مجید رضا رهنورد"، سازمان عفو بین الملل و دیانا الطحاوی، معاون دفتر خاورمیانه ای و شمال آفریقای این نهاد حقوق بشری، طی مصاحبه ای، از صدور حکم "محاربه" و "افساد فی الارض" برای دست کم ۲۶ نفر از بازداشت شدگان خیزش انقلابی کنونی در ایران خبر دادند. بازداشت شدگانی که در پی صدور حکم "محاربه" جملگی با خطر "اعدام" مواجه اند. طبق اظهارات دیانا الطحاوی، حسین محمدی، محمد حسینی، حمید قره حسلو (متخصص رادیولوژی) ، محمد مهدی کرمی و نفر پنجمی که اسمش نامشخص است، بازداشت شدگانی هستند که به اتهام کشتن یک بسیجی در معرض خطر اعدام اند. محمد بروغنی و منوچهر مهمان نواز، دو

جوان بازداشتی دیگری هستند، که با پرونده اتهامی "محاربه"، بدون داشتن وکیل تعیینی و بدور از هرگونه روند قضایی پرونده اتهامی خود، در بیدادگاه های جمهوری اسلامی به اعدام محکوم شده اند. محمد بروغنی، به اتهام آتش زدن فرمانداری پاکدشت، هم اینک به انفرادی منتقل شده و منوچهر مهمان نواز نیز به اتهام آتش زدن محیط بخشداری شهرستان قرچک ورامین، با صدور حکم "محاربه" و خطر اعدام روبروست. ماهان صدرات مرئی، محمد قبادلو، سامان (پاسین) صیدی، بهراد علی کناری و سهند نورمحمدزاده، از جمله بازداشت شدگان دیگری هستند که به دلایل گوناگون به "محاربه" متهم و پیامد آن به "اعدام" محکوم شده اند. ماهان صدرات، به کشیدن سلاح سرد و آتش زدن موتور سیکلت، محمد قبادلو، به زدن عمدی خودرو به موتور ماموران نیروی انتظامی، سامان صیدی، رپر اهل کرمانشاه، به شلیک ۳ تیر هوایی، سهند نور محمدزاده، به آتش زدن سطل زباله و بهراد علی کناری، رپر اهل اهواز، از جمله کسانی هستند که در دادگاه بدوی با اتهام "محاربه" مواجه شده اند. سعید شیرازی، ابوالفضل مهری، محسن رضازاده، سعید یعقوبی، میلان آرمون، نستوه نیکخواه، عبدالستار ذوالقدر و فرهاد و فرزاد طه زاده دو برادر کرد نیز از جمله کسانی هستند که در دادگاه اولیه با اتهام "محاربه" محکوم شده اند. طبق اظهارات دیانا الطحاوی، علاوه بر افراد یاد شده، ۶ نفر دیگر نیز به اسامی توماج صالحی، ابراهیم ریگی، امیر نصرآزادانی، سعید پهلوانی، صالح میرهاشمی و اکبر غفاری نیز از جمله دستگیرشدگان اخیر هستند که با اتهاماتی نظیر "محاربه" "بغی" و "افساد فی الارض" با خطر "اعدام" مواجه اند.

توماج صالحی، متهم به "افساد فی الارض"، مشهورترین رپر معترض داخل ایران است. او مهندس مکانیک و کارگر تراشکاری است. امیرنصرآزادانی، فوتبالیست پیشین تیم های سپاهان و تراکتور است که اکنون به اتهام قتل یک سرهنگ نیروی انتظامی به "بغی" و اعدام محکوم شده است. اتهام "محاربه"، "بغی" و "افساد فی الارض" برای ده ها نفر از بازداشت شدگان خیزش انقلابی سه ماه اخیر، در شرایطی صادر شده است که همه این متهمان محکوم به "اعدام"، طی یک فرایند غیر قضایی در بیدادگاه های جمهوری اسلامی به "محاربه" محکوم شده اند. همه این افراد، بدون استثنا از همان لحظه دستگیری با شکنجه و اعتراف گیری های اجباری در اتاق های دربسته مواجه بوده اند. حتی دستگیری شان نیز طی یک فرایند قضایی منطبق با همان قوانین کذایی جمهوری اسلامی صورت نگرفته است و همه آنان بدون دیدن حکم رسمی بازداشت و نهاد بازداشت کننده، در خانه و خیابان دستگیر یا به واقع ربوده شده اند. پس از دستگیری نیز، هیچکدام از آنان از حق داشتن وکیل تعیینی برخوردار نبوده اند. دادگاه های آنان نیز در اتاق های دربسته با فضا سازی های به شدت امنیتی و روانی برای منکوب کردن متهمان برگزار شده است. خانواده های آنان، نسبت به روند پرونده و

نحوه دادرسی فرزندان خود در بی خبری محض بوده اند. وکلای تسخیری پرونده - که جملگی همان بازجویان پیشین هستند- در مورد پرونده متهمان، از دادن هرگونه اطلاعاتی به خانواده ها در مورد پرونده متهمان پرهیز کرده اند. این افراد به ظاهر وکیل تسخیری، نه تنها از دادن اطلاعات به خانواده ها خودداری می کنند، بلکه آشکارا با بازجویان و قاضی دادگاه، علیه متهمان برای وادار کردن آنان به پذیرش "اتهامات" واهی مورد نظر بازجویان همکاری هم می کنند. به عبارت دیگر در جمهوری اسلامی، روند پرونده معترضان و دیگر فعالان و مبارزان سیاسی - اجتماعی هرگز سمت و سوی قضایی در همان چهارچوب های حقوقی و قانونی دادگاه های بورژوازی را نداشته و احکام صادره تماما برای انجام یک "قتل حکومتی" علیه متهمان صادر و اجرا شده است.

سال هاست برای سازمان عفو بین الملل، نهادهای حقوق بشری، سازمان های سیاسی چپ و کمونیست و تمامی مبارزان و فعالان سیاسی - اجتماعی که علیه اعدام مبارزه می کنند، اجرای حکم "اعدام" در بهترین حالت ممکنه، باز هم اقدامی ضد انسانی و شرم آور است که از آن به عنوان "قتل دولتی" نام برده می شود. طبق قوانین سازمان عفو بین الملل، اگر تمام مراحل روند رسیدگی به پرونده یک متهم محکوم به اعدام، از لحظه دستگیری و بازجویی گرفته تا سیر مراحل دادرسی و تشکیل دادگاه، همه و همه، تماما در یک فرایند عادلانه قضایی همراه با داشتن وکیل تعیینی و برخورداری وکیل و خانواده متهم از حق دسترسی به جزئیات پرونده صورت گرفته باشد، باز هم اجرای حکم "اعدام" یک "قتل دولتی" تلقی می شود. حکمی شرم آور و ضد انسانی که پاره ای از دولت ها کماکان بر اجرای حکم "اعدام" اصرار دارند. در جمهوری اسلامی اما فرایند صدور حکم اعدام با آنچه در بسیاری از کشورهای سرمایه داری رایج است، به کلی متفاوت است. پروسه صدور احکام اعدام در جمهوری اسلامی در قیاس با کشورهای دیگر آنچنان متفاوت است که اجرای آن در ایران حتی در چهارچوب "قتل دولتی" هم نمی گنجد.

در جمهوری اسلامی، از لحظه ای که مینمی به قدرت رسید تا به امروز، تمامی احکام اعدام و غیر اعدام برای مبارزان سیاسی بر اساس ضوابط و مقررات قرون وسطائی اسلامی صورت گرفته است. از همان روزهایی که صدور حکم اعدام در مدرسه رفاه قم برای هویدا و دیگر فرماندهان ارتش شاهنشاهی صادر شده تا به امروز، تمامی احکام اعدام برای فعالان سیاسی - اجتماعی، جملگی در چنین فرایند صورت گرفته است. فرایند دادرسی و دادگاه ها در جمهوری اسلامی هرگز با قوانین و ضوابط قضایی و حقوقی بین المللی منطبق نبوده اند، چرا که شالوده دستگاه قضایی جمهوری اسلامی، ضوابط و مقررات قرون وسطائی اسلامی است.

تمامی متهمان از همان شروع کار، به جای دستگیری، ربوده می شوند. بازجویی ها بدون حضور وکیل تعیینی، با شکنجه و پرونده سازی و اعترافات گیری های دروغین در اتاق های شکنجه صورت می گیرد. پروسه تشکیل پرونده، روند دادرسی و حتی تشکیل دادگاه نیز در پشت



پیروز باد اعتصاب و تجمع سراسری کارکنان رسمی صنعت نفت

روز شنبه ۲۶ آذر ماه، هزاران تن از کارکنان رسمی صنعت نفت در مراکز نفت و گاز سراسر کشور، برای دست یابی به خواست های خود به ویژه خواست محوری اجرای ماده ۱۰ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت، دست از کار کشیدند و تجمع های اعتراضی برپا کردند. این تجمعات در مراکز نفت و گاز و به طور همزمان در چند شهر از جمله اهواز، ماهشهر، گچساران، جزیره خارک، منطقه نفتخیز جنوب و منطقه عسلویه برگزار شد.

پیش از این "شورای هماهنگی و همبستگی کارکنان رسمی صنعت نفت" با صدور چندین اطلاعیه اعلام کرده بود: "گردهمایی کارکنان رسمی صنعت نفت، روز شنبه ۲۶ آذر با محوریت شهرهای اهواز، عسلویه و ماهشهر و همراهی تمامی شهرها و مناطق عملیاتی برگزار خواهد شد."

شورای هماهنگی و همبستگی کارکنان رسمی صنعت نفت از همه همکاران خواسته بود "در تمام شهرها و مناطق عملیاتی از جمله پتروشیمی ها، پالایشگاهها، بهره برداریها و سایر کارخانجات و ادارات، با هماهنگی سایر همکاران روبروی ساختمان مرکزی ستاد یا ساختمان اداری مجموعه خود جمع " شوند و "ستاد و عملیات یکپارچه باهم حقوق ضایع خود را از دروغگویان بخواهید. سنگر ۲۶ آذر را خالی نکنید اجازه ندهید که این سنگر و خاکریز را مسولین بی سواد و کارنابلد در دست بگیرند. برای آینده خود و خانواده هایمان همه بیاییم"

"روز ۲۶ آذر گرد هم جمع خواهیم شد و از حق و حقوق قانونی خود که سالها توسط مسئولین فاسد و نالایق به یغمارفته دفاع خواهیم کرد."

بیش از ده سال است که اجرای ماده ۱۰ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت و افزایش حقوق و مزایا معوق مانده است.

از سال ۹۹ تا به امروز کارگران و کارکنان رسمی وزارت نفت به اشکال و شیوه های مختلف مبارزاتی تلاش نمودند این مطالبه خود را عملی سازند، اما جز وعده های تحقق نیافته چیزی نصیب کارکنان نشد. علاوه بر این، تجمعات مورد یورش واحدهای ضد یورش قرار گرفت. تعدادی از کارگران و کارکنان بازداشت شدند. تهدید و فشار امنیتی برای مقابله با اعتراضات افزایش یافت. اما کارکنان رسمی نفت کوتاه نیامدند و اعتصاب بزرگ و سراسری خود را امروز برپا کردند.

گرچه مطالبه محوری کارکنان نفت، اجرای ماده ۱۰ و بهبود شرایط معیشتی آنهاست، اما در شرایط سیاسی کنونی که سراسر ایران را اعتراضات سیاسی فراگرفته است، این اعتصاب و اعتصابات مشابه آن، مقدمه ای برای روی آوردن به اعتصابات سراسری سیاسی کارگری است. کارکنان رسمی نفت علیه رژیم پلیسی و امنیتی حاکم بر صنعت نفت هستند و در اعتصاب امروز، شعار استعفای وزیر نفت را سر دادند.

سازمان فدائیان (اقلیت) از مبارزات و مطالبات کارکنان رسمی صنعت نفت حمایت می کند و خواستار اجرای فوری مطالبات به حق کارگران و کارکنان صنعت نفت است.

سازمان فدائیان (اقلیت) عموم کارگران را به اتحاد برای برپایی اعتصاب عمومی سراسری و ارتقاء مبارزات و اعتراضات سراسری مردم ایران، علیه طبقه ستمگر حاکم بر ایران فرا می خواند.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی-

برقرار باد حکومت شورایی

نابود باد نظام سرمایه داری

زنده باد آزادی- زنده باد سوسیالیسم

سازمان فدائیان (اقلیت)

۲۶ آذر ماه ۱۴۰۱

کار نان آزادی- حکومت شورایی

به "قتل های حکومتی" باید پایان داد

درهای بسته صورت می گیرد. متهم از حق داشتن وکیل تعیینی برخوردار نیست. از طرف دادگاه برای متهم، وکیل تسخیری که مورد اعتماد دستگاه قضایی است انتخاب می شود. وکیلی که خود را ملزم به پاسخگویی در مقابل پرسش های خانواده متهم نمی داند. در این دستگاه به اصطلاح قضائی دولت استبدادی دینی، قضات دادگاه های کیفری و به اصطلاح انقلاب، نیز به نوعی همان بازجویان و شکنجه گران دهه ۶۰ و سال های بعد از آن هستند. قضاتی که تماما با خوی و خصلت شکنجه گری تربیت شده اند و برای خود وظیفه ای جز آدمکشی قائل نیستند. نتیجه اینکه، روند دستگیری و بازجویی و پرونده سازی و تشکیل دادگاه متهمان در سیستم قضایی جمهوری اسلامی هرگز دارای یک روند قضایی حتی بورژوازی نبوده و تمامی احکام صادره بویژه صدور حکم اعدام برای متهمین بدون استئنا در فرایندی غیر قضایی و صرفا برای ایجاد رعب و وحشت در جامعه صورت می گیرد. و لذا، صدور حکم "اعدام" و اعدام های صورت گرفته در جمهوری اسلامی نه تنها در چهارچوب همان واژه "اعدام" یا "قتل دولتی" نمی گنجد، بلکه به معنای دقیق کلمه یک "قتل عمد" حکومتی است که هیئت حاکمه ایران بقای خود را به صدور اینگونه احکام گره زده است. قتل عمدی که جملگی در یک فرایند سیاسی برای ایجاد رعب و وحشت، ترساندن معترضین و منکوب کردن جامعه از طرف دستگاه سرکوب جمهوری اسلامی به کار گرفته می شوند.

فرایندی عامدانه و شرم آور که با صدور احکام جنون آمیز خلخالی در ساختمان مدرسه رفاه قم کلید خورد، در کردستان و ترکمن صحرا شدت یافت، با "اعدام" های وسیع سال های نخست دهه ۶۰ جامعه را منکوب کرد، در تابستان خونین ۶۷، با کشتار بیش از ۵ هزار زندانی سیاسی به نقطه اوج خود رسید و اکنون با "اعدام" بی رحمانه محسن شکاری و "مجید رضا رهنورد ایران و جهان را برای متوقف کردن پروژه "قتل های حکومتی" به تکاپو وا داشته است. قتل های عمدی که نه فقط با صدور حکم به اصطلاح "اعدام" در زندان به وقوع می پیوندد، بلکه فراتر از آن، در بیرون از زندان و در کف خیابان ها به دست نیروهای امنیتی رژیم اتفاق می افتد. تازه ترین آن، قتل آیدا رستمی پزشک جوان بیمارستان چمران تهران و دنیا فرهادی، دانشجوی دانشگاه آزاد اهواز است که هر دو آنان توسط نیروهای آدمکش جمهوری اسلامی به قتل رسیدند.

انجام اینگونه "قتل های حکومتی"، چه در قالب صدور حکم "اعدام" برای بازداشت شدگان و چه با ربودن و کشتن فعالان سیاسی - اجتماعی در بیرون از زندان، هم اینک یک وظیفه عاجل را برای عموم توده های مردم ایران و تمامی فعالان داخلی و بین المللی لغو مجازات "اعدام" رقم زده است. در سه ماه گذشته، به همت خیزش انقلابی توده های مردم ایران، اعمال فشار بر جمهوری

گردد" و کشاندن اعتراضات خیابانی به مقابل درب زندان ها، هزینه "اعدام" را برای نظام بالا برده و جمهوری اسلامی را حتی پیش از سرنگونی آن نیز از گسترش اعدام ها باز داریم.

اسلامی از هر سو آغاز شده است. هزینه اعدام برای هیئت حاکمه بسیار بالا رفته است. این هزینه را باز هم باید بالاتر برد. اگرچه تنها با سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی چرخه "اعدام" و "قتل های حکومتی" در ایران متوقف خواهد شد، اما در شرایط موجود و در فضایی که اکنون در حمایت از زندانیان سیاسی ایجاد شده است، ما، خانواده های زندانیان و توده های مردم ایران نیز می توانیم با گسترش مبارزات خیابانی، نهادهای گردن شعار "زندانی سیاسی آزاد باید



چه اتفاقی رخ داد که جمهوری اسلامی از کمیسیون مقام زن اخراج شد؟!

سازمان داده شود.

این وظایف در ایران تنها از عهده یک دولت شورایی کارگری ساخته است که نه فقط توده‌های ستمدیده مردم ایران را بر سرنوشته خود حاکم خواهد ساخت، بلکه برای دگرگونی تمام ساختار اقتصادی- اجتماعی موجود که سرمنشأ اسارت زن است، اقدام خواهد کرد.

اما چه تحولی رخ داده است که دولت‌های امپریالیستی پس از گذشت یک سال و هشت ماه از انتصاب جمهوری اسلامی به کمیسیونی که ماموریت آن "ارتقاء برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان در کشورهای جهان" است و می‌خواهد برای "مشارکت کامل و موثر زنان در زندگی اجتماعی و تصمیم‌سازی‌ها، رفع خشونت برای حصول به برابری جنسیتی و توانمندسازی تمام زنان و دختران" اقدام کند، به این نتیجه رسیده‌اند که عضویت جمهوری اسلامی در کمیسیون مقام زن "مشمزکننده" است؟!

واقعیت این است که اقدام دولت آمریکا و دولت‌های اروپایی همپیمان‌اش را باید در تغییر شرایط حاکم بر ایران دید. دور جدید خیزش انقلابی توده‌ها که هم‌اکنون وارد چهارمین ماه خود شده است، بسیاری از معادلات گذشته را به هم ریخت. شرایط انقلابی حاکم و تأثیر مبارزات قهرمانانه زنان و جوانان بر افکار عمومی جهان، دولت‌های اروپایی و آمریکا را مجبور به تغییر سیاست در قبال جمهوری اسلامی کرده است. در واقع، اخراج جمهوری اسلامی از کمیسیون مقام زن و افزایش تنش بین جمهوری اسلامی و دولت‌های اروپایی و آمریکا را باید در این ارتباط تحلیل و ارزیابی کرد و نه تسوئی دولت‌های اروپایی و آمریکا برای زنان قهرمان ایران و این‌که این دولت‌ها بعد از ۴۳ سال، تازه فهمیده‌اند جمهوری اسلامی حکومتی "ضد زن" می‌باشد!!

نگاهی به روند افزایش تنش بین جمهوری اسلامی و دولت‌های اروپایی و آمریکا در ماه‌های اخیر این موضوع را کاملاً آشکار می‌کند. برای نمونه روز جمعه ۲۵ آذر مجمع عمومی سازمان ملل با ۸۰ رای موافق در برابر ۲۹ رای مخالف، قطعنامه‌ای را که از سوی دولت‌های اروپایی و کانادا در رابطه با محکومیت نقض حقوق بشر در ایران ارائه شده بود، به تصویب رساند. قطعنامه با اظهار نگرانی نسبت به آمار بالای اعدام بویژه اعدام از میان اقلیت‌های ملی و نقض گسترده حقوق زنان، از جمهوری اسلامی خواست تا به هرگونه خشونت علیه معترضان "مسالمت‌جو" پایان دهد.

روز دوشنبه ۲۱ آذرماه نیز اتحادیه اروپا تحریم‌های جدیدی را علیه برخی از نهادها و مقامات حکومت اسلامی از جمله چند فرمانده نظامی و "صدا و سیمای جمهوری اسلامی" به تصویب رساند. پیش از این وزیر خارجه آلمان خواستار افزوده شدن سپاه پاسداران به لیست تحریم‌ها بود. البته از میان تمام تحریم‌های روز دوشنبه، تنها تحریم "صدا و سیمای جمهوری اسلامی" برای حکومت اسلامی مشکلاتی به

همراه دارد و سایر تحریم‌ها هیچ تأثیر عملی بر حکومت اسلامی ندارند.

در این روزها همچنین شاهد برعهده گرفتن کفالت سیاسی زندانیان سیاسی بویژه زندانیانی که در خطر اعدام قرار دارند از سوی نمایندگان پارلمان‌های اروپایی از جمله در آلمان، فرانسه و سوئد هستیم. پذیرش کفالت سیاسی زندانیان سیاسی فوق به این معناست که آن‌ها تلاش خواهند کرد در اشکال گوناگون از زندانیانی که کفالت آن‌ها را برعهده گرفته‌اند، حمایت کرده و با اجرای احکام اعدام آن‌ها مقابله کنند. از جمله با رسانه‌های کردن موضوع، تحت فشار قراردادن دولت‌های خود برای آوردن فشار به جمهوری اسلامی و مانند آن.

دیدار مکرون با چند تن از زنان مخالف جمهوری اسلامی، نشست غیررسمی شورای امنیت سازمان ملل به درخواست دولت‌های آمریکا و آلبانی برای بررسی سرکوب اعتراضات مردم توسط جمهوری اسلامی، تعیین کمیته حقیقت‌یاب برای تحقیقات مستقل درباره سرکوب مرگبار اعتراضات توسط جمهوری اسلامی از سوی شورای حقوق بشر سازمان ملل مستقر در ژنو، تحریم‌های چند باره برخی از مقامات، شرکت‌ها و نهادهای جمهوری اسلامی توسط دولت‌های اروپایی، آمریکا، کانادا، استرالیا و نیوزیلند، احضار سفرا و کارداران جمهوری اسلامی به وزارت خارجه در کشورهای گوناگون و همچنین احضار برخی از سفرا اروپایی به وزارت خارجه جمهوری اسلامی، نوشتن چندباره شعار بر دیوارهای سفارت انگلیس در تهران، کمک نظامی به روسیه توسط جمهوری اسلامی با ارسال پهپاد و بدین ترتیب مشارکت در جنگ دولت‌های روسیه و اوکراین به نفع دولت روسیه و از همه مهم‌تر مسکوت ماندن "برجام" و تشدید تنش بین جمهوری اسلامی با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و دولت‌های اروپایی و آمریکا بر سر فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی، از دیگر مواردی هستند که نشان‌گر تشدید تنش بین جمهوری اسلامی با اتحادیه اروپا، آمریکا و متحدان آن‌ها در ماه‌های اخیر می‌باشند.

در واقع در حالی‌که مذاکرات و چانه‌زنی بر سر گسترش محدوده لغو تحریم‌ها، توافق بر سر "برجام" را طولانی کرده بود، با خروش انقلابی توده‌ها، تحریم‌های جدیدی به تحریم‌های گذشته بویژه از سوی دولت‌های اروپایی افزوده شد. دولت‌هایی همچون دولت آلمان که در جریان مذاکرات بر سر "برجام" خواستار دادن حداکثر امتیازات به جمهوری اسلامی بودند، دولتی که مشاورش در امور ایران عدنان طباطبایی پسر دایی حسن خمینی بود و نتیجه مشورت‌شان نیز این بود که "باید با جمهوری اسلامی همکاری کرد وگرنه در صورت سقوط جمهوری اسلامی کل منطقه دچار تنش می‌شود!!"

عدم ثبات سیاسی جمهوری اسلامی و انزوای آن در سطح جهان، کار را به جایی رسانده است که در سفر رئیس‌جمهور چین به عربستان، دولت

چین از مواضع عربستان و دیگر دولت‌های حاضر در شورای همکاری خلیج فارس در رابطه با جنگ یمن و اختلافات جمهوری اسلامی و دولت امارات بر سر جزایر تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی در بیانیه مشترکشان حمایت کرد. به‌خوبی می‌دانیم که دولت چین بویژه متمرکز بر منافع اقتصادی خود است و از شرایط و تحولات پیش‌رو ارزیابی دارد.

اگر سه روز پس از خاکسپاری ژینا در سقز و آغاز خیزش انقلابی توده‌ها، مکرون با رئیسی دیدار و با او دست می‌دهد، به این مفهوم بود که آن‌ها به این تحلیل نرسیده بودند که توفان خشم انقلابی توده‌ها چه نتایجی به همراه خواهد آورد. آن‌ها هنوز فکر می‌کردند این موجی‌ست که بزودی پایان می‌یابد. اما تداوم خیزش انقلابی توده‌ها همه معادلات گذشته را برهم زد و امروز دیگر مکرون و امثال او جرات دست دادن با رئیسی را نخواهند داشت. نه فقط به‌خاطر خیزش انقلابی توده‌ها و عدم ثبات سیاسی جمهوری اسلامی، بلکه از جهت افکار عمومی کشورهای خود نیز زیر فشار قرار دارند.

امروز اخبار خیزش جنبش انقلابی مردم ایران، افکار عمومی جهان را در سطحی وسیع تحت‌تأثیر قرار داده و همیاری و همدلی مردم آزادی‌خواه را در سراسر جهان به همراه آورده است. در این مدت برخی از روزها اخبار مبارزات توده‌ها به تیتراژ اول بسیاری از رسانه‌های خارجی تبدیل شد و در خیلی از مواقع اخبار جنگ در اوکراین را تحت‌شعاع قرار داد. از سوی دیگر حتا موضع‌گیری‌های علنی مقامات دولت‌های اروپایی و آمریکا از جمله موضع‌گیری اخیر صدراعظم آلمان و رئیس سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (CIA) نشان می‌دهد که این دولت‌ها دیگر آمیدی به بقای جمهوری اسلامی در مدتی طولانی ندارند. برای نمونه ویلیام برنز رئیس سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا در مصاحبه با شبکه تلویزیونی پی بی اس می‌گوید: "هم طول مدت اعتراضات و هم دامنه گسترده آن تحلیل‌گران ما را تحت تأثیر قرار داده است... جمهوری اسلامی شاید در کوتاهمدت و با سرکوب وحشیانه بتواند این ناآرامی‌ها را کنترل کند اما در درازمدت، پاسخ مناسبی برای مطالبات مردم به ویژه نسل جوان نخواهد داشت".

بنابراین عامل اصلی اخراج جمهوری اسلامی از کمیسیون مقام زن، خروش انقلابی توده‌های ستمدیده مردم ایران است، وگرنه جمهوری اسلامی همانی‌است که همین دولت‌ها با رای بالایی او را به عضویت در این کمیسیون درآورده بودند. دولت‌های امپریالیستی اروپایی و آمریکا به کرات نشان داده‌اند که چیزی بالاتر از منافع امپریالیستی‌شان وجود ندارد و تمرکز بر حقوق زنان و حقوق انسان‌ها و مانند آن‌ها جایی در معادلات‌شان به‌طور واقعی ندارد.

اگرچه کمیسیون مقام زن سازمان ملل قرار نبوده و نیست برای زنان کاری انجام دهد، اما اخراج جمهوری اسلامی از کمیسیون مقام زن سازمان ملل، بدون هیچ تردیدی دستاورد خیزش انقلابی توده‌هاست، مبارزاتی که جهان را تحت‌تأثیر قرار داد و همدلی و حمایت مردمان را در گستره‌ای وسیع در سطح جهان به همراه آورده است.

چه اتفاقی رخ داد که جمهوری اسلامی از کمیسیون مقام زن اخراج شد؟!

همه‌جانبه است. اما بر سر عضویت رژیم به‌غایت زینستیز در کمیسیون مقام زن، معضلی برای آمریکا و کشورهای اروپایی وجود داشت که در ظاهر خود را طرفدار حقوق زنان معرفی می‌کنند. می‌بایستی آن را بر طرف کنند تا گویا کسی متوجه نشود کدام دولت‌ها به این رژیم زینستیز رأی داده‌اند. این معضل را نیز نماینده دولت آمریکا با درخواست رأی‌گیری مخفی حل کرد.

واقعیت این است که در هیچ‌یک از کشورهای جهان به‌جز یک دولت دینی از نمونه جمهوری اسلامی را نمی‌توان جایی سراغ گرفت که دولت خودش مبلغ و مروج خشونت علیه زنان باشد و خودش روزمره علیه زنان به خشونت متوسل شود.

اقدام دولت‌های عضو سازمان ملل در انتخاب

رژیم زینستیز جمهوری اسلامی به عضویت کمیسیون مقام زن بار دیگر به آن‌هایی که توهمات به این سازمان‌های بورژوازی و دولت‌های عضو آن از جمله مدعیان دروغین حقوق بشر و حقوق زن دارند می‌آموزد که جز خود مردم ایران و مبارزه آن‌ها کسی نجات‌بخش آن‌ها نیست. به‌ویژه زنان هرگز نمی‌توانند از این همه نابرابری، تبعیض و خشونت رها گردند مگر آن‌که مقدم بر هر چیز دولت دینی حاکم بر ایران سرنگون شود، دین و دولت به‌کلی از یکدیگر جدا گردند، برابری حقوق اقتصادی-اجتماعی و سیاسی زنان کاملاً به رسمیت شناخته شود، تمام قوانین و مقررات زینستیز جاروب شوند و مبارزه همه‌جانبه‌ای علیه تمام سنت‌ها، رفتار، فرهنگ و رسوم قرون وسطایی ضد زن، در صفحه ۷

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri
Postfach 410
4410 Liestal
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.
شماره حساب:

نام صاحب حساب : Stichting ICDR

NL08INGB0002492097
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<https://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaian-minority.org

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

http://T.me/fadaian_aghaliyat

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/>

آدرس سازمان در توئیتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

ای میل تماس با نشریه کار:

kar@fadaian-minority.org

KAR Organization
Of Fadaian (Aghaliyat)
No 1001 December 2022

تلویزیون دموکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسانهای زحمتکش و ستم دیده ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می کنند



اطلاعیه تلویزیون دموکراسی شورایی و آلترناتیو شورایی بینندگان تلویزیون دموکراسی شورایی، رفقا و همراهان

بدین وسیله به اطلاع شما می‌رسانیم که تلویزیون دموکراسی شورایی از تاریخ جمعه نهم مهرماه ۱۴۰۰ برابر با اول اکتبر ۲۰۲۱ کانال ماهواره‌ای ۲۴ ساعته تلویزیون آلترناتیو شورایی، کانال مشترک نیروهای چپ و کمونیست بر روی ماهواره یاه ست آغاز به کار خواهد کرد و تلویزیون دموکراسی شورایی به همراه تلویزیون‌های، برابری، پرتو و حزب کمونیست ایران/ کومله برنامه‌های خود را بر روی این کانال ماهواره‌ای پخش خواهد کرد. برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی را همچنین می‌توانید در سایت سازمان فداییان (اقلیت) و شبکه‌های اجتماعی فیس‌بوک و تلگرام و اینستاگرام و یوتیوب نیز دنبال کنید. از تاریخ نهم مهرماه برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی روزانه به مدت ۹۰ دقیقه خواهد بود و ساعات پخش برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی بدین قرار می‌باشد روزهای دوشنبه، چهارشنبه و جمعه از ساعت هشت تا نه و نیم شب به وقت ایران و در روزهای سه‌شنبه، پنجشنبه، شنبه و یکشنبه از ساعت شش و نیم عصر تا هشت شب به وقت ایران برنامه‌های خود را از ماهواره یاه ست پخش می‌کند. مشخصات ماهواره‌ای شبکه تلویزیونی آلترناتیو شورایی در ماهواره یاه ست؛ بدین قرار خواهد بود:

فرکانس 12594 - پولاریزاسیون ورتیکال یا عمودی - سمبول ریت 27500 - FEC: ۳/۲
مشخصات جدید تلویزیون دموکراسی شورایی را به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید.

مشخصات ماهواره‌ای شبکه تلویزیونی

Alternative Shorai

Satellite: Yahsat

Frequency: 12594

Polarization: Vertical / عمودی

Symbol Rate: 27500

FEC: 2/3

آدرس ایمیل: tvshorashora@gmail.com

شماره تلفن: ۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

<https://fadaian-minority.org> ، <https://tvshora.com>

فیس‌بوک: Shora shora، تلگرام: @tvshora

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی